اخلاق در حوزه

توصیه‌های اخلاقی امام خمینی قدس‌سره

بخش اول

حضرت علی علیه‌السلام فرموده‌اند: «المواعظ حیاة القلوب؛ موعظه‌ها موجب زندگی قلب‌هاست.» در این میان موعظه آنان که خود در محبت حضرت محبوب سوختند و فانی شدند، تأثیرگزارتر و سوزاننده‌تر است و سخنی که از دل آنان برآید، لاجرم بر دل نشیند و دنیا را در نظر انسان کوچک و عزم حرکت به کوی محبوب را در دل او راسخ گرداند.

مواعظ اخلاقی عارف بزرگ قرن حضرت امام خمینی رحمه‌الله از این دسته مواعظ است که هم شورآفرین است و هم شعور بخش. در اینجا گلچینی از آن مواعظ زیبا از کتاب چهل حدیث و کتاب محرم راز، سفارش‌نامه حضرت امام قدس‌سره به جناب سید احمدآقا رحمه‌الله به حضور شما عزیزان تقدیم می‌گردد.

• عزم و اصلاح امر و نفس

ای عزیز! راه حق سهل است و آسان؛ ولی قدری توجه می‌خواهد. اقدام باید کرد. با تسویف و تأخیر امر را گذراندن و بار گناه را هر روز زیاد کردن کار را سخت می‌کند؛ ولی اقدام در امر و عزم بر اصلاح امر و نفس، راه را نزدیک و کار را سهل می‌کند. تو تجربه کن و چندی اقدام کن، اگر نتیجه گرفتی، صحت مطلب بر تو ثابت می‌شود والاّ راه فساد باز است و دست گنه‌کار تو دراز.

• عزم و اراده

ای عزیز! بکوش تا صاحب «عزم» و دارای اراده شوی که خدای نخواسته اگر بی‌عزم از این دنیا هجرت کنی، انسان صوری بی‌مغزی هستی که در آن عالم به‌صورت انسان محشور نشوی؛ زیراکه آن عالم، محل کشف باطن و ظهور سریره است. جرأت بر معاصی کم‌کم انسان را بی‌عزم می‌کند و این جوهر شریف را از انسان می‌رباید. استاد معظم ما، دام ظله می‌فرمودند: «بیشتر از هرچه، گوش کردن به تغنیات سلب اراده و عزم از انسان می‌کند.»

• استفاده از فرصت‌ها

ای عزیز! تو ملتفت خود باش که نیز روزی مثل مایی و خودت نمی‌دانی آن، چه روز است؛ شاید الآن که مشغول قرائتی باشی، اگر تعللی کنی، فرصت از دست می‌رود. ای برادر من! این امور را تعویق نینداز که تعویق انداختنی نیست.

چقدر آدم‌های صحیح و سالم با موت ناگهانی از این دنیا رفتند و ندانیم عاقبت آنها چیست؟ پس فرصت را از دست مده و یک دم را غنیمت شمار که کار خیلی اهمیت دارد و سفر خیلی خطرناک است. دستت، از این عالم که مزرعه آخرت است، اگر کوتاه شد، دیگر کار گذشته است و اصلاح مفاسد نفس را نتوانی کرد[و] جز حسرت و حیرت و عذاب و مذلت نتیجه نبری. اولیای خدا آنی راحت نبودند و از فکر این سفر پرخوف و خطر بیرون نمی‌رفتند.

• استفاده از فرصت جوانی برای غلبه بر مفاسد اخلاقی

ای عزیز! برای یک خیال باطل، یک محبوبیت جزئی بندگان ضعیف، یک توجه قلبی مردم... خود را مورد سخط و غضب الهی قرار مده و مفروش آن محبت‌های الهی، آن کرامت‌های غیرمتناهی، آن الطاف و مراحم ربوبیت را بر یک محبوبیت پیش خلق که مورد هیچ اثری نیست و از او هیچ ثمری نبری جز ندامت و حسرت. وقتی دستت از این عالم کوتاه شد که عالم کسب است و عملت منقطع گردید، دیگر پشیمانی نتیجه ندارد و رجوع بی‌فایده است.

• یاد خدا و نعمت‌های الهی

ای عزیز! متذکر عظمت خدای خودت باش؛ متذکر نعمت‌ها و مرحمت‌های او شو و متذکر حضور باش و ترک کن نافرمانی او را؛ در این جنگ بزرگ بر جنود شیطان غلبه کن. مملکت خود را مملکت رحمانی و حقانی کن و به‌جای جنود شیطان محل اقامت لشگر حق‌تعالی نما تا آنکه خداوند تبارک و تعالی تو را توفیق دهد در مجاهده مقام دیگر و در میدان جنگ بزرگ‌تر که در پیش است و آن جهاد با نفس است، در عالم باطن و مقام دوم نفس.

• کوچک و بی‌ارزش شمردن اعمال

ای عزیز! این‌قدر لاف خدا مزن! این قدر دعوی حب خدا مکن، ای عارف! ای صوفی! ای حکیم! ای مجاهد! ای مرتاض! ای فقیه! ای مؤمن! ای مقدس! ای بیچاره‌های گرفتار! ای بدبخت‌های دچار مکاید نفس و هوای آن! ای بیچاره‌های گرفتار آمال و امانی و حب نفس! ـ همه بیچاره هستید، همه از خلوص و خداخواهی فرسنگ‌ها دورید. این قدر حسن ظن به خودتان نداشته باشید. این قدر عشوه و تدلل نکنید. از قلوب خود بپرسید ببینید، خدا را می‌جوید یا خودخواه است؟ موحد است و یکی طلب، یا مشرک است؟ پس این عجب‌ها، یعنی چه؟ این قدر به عمل بالیدن چه معنی دارد؟ عملی که فرضاً تمام اجزاء و شرایطش درست باشد و خالی از ریا و شرک و عجب و سایر مفسدات باشد، قیمتش رسیدن به شهوات بطن و فرج است، چه قابلیتی دارد که این قدر تحویل ملائکه می‌دهید؟ این اعمال را باید مستور از چشم‌ها داشت. این اعمال از قبایح و فجایع است! باید انسان از آنها خجالت بکشد و ستر آنها باشد.

• زمام تمام امور به دست خداست

پسر عزیزم احمد!- سلمک‌الله تعالی- در این اوراق نظر کن و «انظر الی ما قال ولا تنظر الی من قال»؛ من خود آنچه به تو می‌گویم، گرچه عاری و بری هستم؛ لکن امیدوارم که برای تو تنبهی باشد. بدان که هیچ موجودی از موجودات از غیب عوالم جبروت و بالاتر و پایین‌تر چیزی ندارد و قدرتی و علمی و فضیلتی را دارا نیست و هرچه هست، از او- جل‌وعلا- است.

اوست که از ازل تا ابد زمام امور را به دست دارد، واحد و صمد است. از این مخلوقات میان‌تهی پوچ و هیچ، باکی نداشته باش و چشم امیدی هرگز به آنها مبند که چشم داشتن به غیر او شرک است و باک از غیر او- جلّ و علا- کفر.

پرس‌و جو

چرا امام خمینی قدس‌سره قیام ۱۵ خرداد را مبدأ انقلاب دانستند؟

دلایل تداوم انقلاب اسلامی چیست؟

گفت‌وگو با دکتر موسی حقانی

دکتر موسی حقانی، رئیس پژوهشکده تاریخ معاصر، معتقد است که در همه قیام‌های پیشین، مثل نهضت تحریم تنباکو، انقلاب مشروطه و نهضت ملی شدن نفت، بنا به مصالح و مقتضیاتی که وجود داشت، اهدافی چون قطع ید بیگانگان و آزادی در همان چهارچوب نظام سیاسی پیشین دنبال می‌شد؛ اما در قیام ۱۵ خرداد، تحولی هم در «اهداف مبارزه» و هم در «روش مبارزه» اتفاق افتاد که بر همین اساس، حضرت امام خمینی قدس‌سره آن را مبدأ انقلاب اسلامی دانسته‌اند.

دکتر موسی حقانی، استاد تاریخ و رئیس پژوهشکده تاریخ معاصر، در گفت‌وگویی پیرامون نقش «قیام ۱۵ خرداد»، «هویت شیعی» و جریان «مرجعیت شیعه» در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی، به نکات قابل تأملی اشاره می‌کند که در ادامه می‌خوانید.

در ارتباط با انقلاب و به‌طور خاص انقلاب اسلامی ایران، از دو منظر می‌توان بحث کرد: یک رویکرد «نگاه تاریخ‌مند و کارکردگرایانه» است که انقلاب را بخشی از پروسه تحولات و رویدادی برای رفع نیازها و خواسته‌های مردم در آن مقطع تاریخی می‌بیند و وجه اسلامی آن را نه یک محتوای اصیل، بلکه صرفاً به‌عنوان فرم و ابزاری برای سازماندهی انقلابیون برمی‌شمارد و منظر دیگر، «نگاه غایت‌گرا» است که انقلاب را نه صرفاً یک رویداد در تاریخی خاص، بلکه امتدادی در کلیت تاریخ یک ملت می‌بیند که مبتنی بر ارزش‌های اصیل، ذاتی و غایی است. با توجه به اشرافی که شما به تحولات تاریخ معاصر ایران دارید، آیا می‌توان انقلاب اسلامی را «تحولی مستمر در تاریخ ایران» دانست که پیش از سال ۱۳۵۷ در نهضت‌ها و حرکت‌هایی همچون نهضت تحریم تنباکو، انقلاب مشروطه، نهضت ملی نفت و قیام ۱۵ خرداد بروز پیدا کرد و سپس در انقلاب اسلامی به تکامل رسید؟

• اگر در ماهیت انقلاب اسلامی و جلوه بیرونی آن، که در شعارهای قاطبه مردم بروز و ظهور داشته (استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی)، تأمل کنیم، درمی‌یابیم که انقلاب، مبتنی بر ارزش‌های اصیل و غایی است و بسیاری از این ارزش‌ها، ذیل همان «اسلامیت» همراه با «جمهوریت» مورد تأکید واقع شده است.

اینکه آیا این اهداف در تحولات و نهضت‌های تاریخی پیشین هم نمود و ظهور داشته است، باید گفت در عین حال که انقلاب اسلامی ادامه تحولات نهضت‌های پیشین همچون نهضت تنباکو، انقلاب مشروطه، نهضت ملی شدن نفت و قیام ۱۵ خرداد بوده است؛ اما اهداف و ارزش‌های مد نظر آن، از بسیاری جهات گسترده‌تر و متکامل‌تر است. ضمن اینکه هریک از این نهضت‌ها و حرکت‌ها نیز گستره اهداف مشابهی نداشتند؛ چنان‌که جریان تحریم تنباکو صرفاً بر قطع ید سلطه بیگانه و لغو امتیاز متمرکز بود و تغییرات نظام سیاسی در این نهضت مطمح‌نظر نبود.

در نهضت مشروطه نیز حفظ نظام سلطنت به‌شکل مشروط مطابق با قانون اساسی و اسلام مورد تأکید بود. نهضت ملی شدن نفت هم، بر قطع دست بیگانگان از منابع ملی ایران تأکید داشت. در همه این جریان‌ها، بنا به مصالح و مقتضیاتی که وجود داشت، اهداف مذکور در همان چهارچوب نظام سیاسی پیشین دنبال می‌شد؛ اما در قیام ۱۵ خرداد، تحولی هم در «اهداف مبارزه» و هم در «روش مبارزه» اتفاق می‌افتد که بر همین اساس، حضرت امام خمینی قدس‌سره آن را مبدأ انقلاب اسلامی دانسته‌اند و از این زمان، تغییر و تحول انقلابی در نظام پیشین از سوی جریان روحانیت شیعه مطرح می‌شود که به‌نوعی اصول و ارزش‌های بنیادین اسلامی و ملی همه نهضت‌های پیشین را در صورت‌بندی نظام سیاسی جدیدی تداوم بخشید.

نقش هویت شیعی و جریان مرجعیت شیعه را در این تداوم چگونه ارزیابی می‌کنید؟

• مرجعیت شیعه ملجأ و حافظ هویت ایرانی ـ شیعی و پیشگام مقابله با جریان‌های تهدیدکننده این هویت در تاریخ چندصدساله اخیر ایران بوده است. در نهضت تنباکو، زمانی که استبداد داخلی و استعمار خارجی در پیوند با یکدیگر، کیان و استقلال ایران و مسلمانان را تهدید کردند، مرجعیت شیعه بر اساس آموزه‌های قرآنی، سلطه کفار بر مسلمین را برنتافت و موجب عقب‌نشینی استبداد و ناکامی استعمار خارجی شد. در اینجا بحثی از تغییر نظام سیاسی حاکم از سوی مرجعیت شیعه دنبال نشد.

در مشروطه نیز همچنان حفظ نظام سیاسی موجود با محدود نمودن آن به قیود و مشروط نمودن قدرت مدنظر زعمای شیعه دخیل در نهضت مشروطیت بود. در بیانات مراجع شیعه در این دوران، هم استقلال از بیگانه و هم رفاه رعیت و آزادی در چهارچوب حدود الهی و قانونی و تقویت قوای ملی مدنظر بوده است؛ البته همه این اهداف و دستاوردهای مشروطه، لگدمال چکمه‌های رضاخانی می‌گردد و اهداف و آمال انقلاب مشروطه با روی کار آمدن حکومت پهلوی کاملاً به فراموشی سپرده می‌شود.

در جریان نهضت ملی نفت هم، روحانیت شیعه همان اهداف نفی سلطه بیگانه را در حمایت از حرکت ملی کردن صنعت نفت دنبال می‌نمود؛ هرچند «جریان دینی» در این نهضت، نسبت به «جریان ملی» نگاه عمیق‌تری داشت و هدف خود را صرفاً بر ملی شدن صنعت نفت قرار نداده بود و حوزه تقابل خود را مقابله با استعمار خارجی در ایران و کشورهای اسلامی می‌دانست؛ چنان‌که به تشکیل دولت اسرائیل و تحولات منطقه نیز واکنش نشان دادند؛ اما دکتر مصدق مأموریت خود را صرفاً در چهارچوب ملی کردن صنعت نفت می‌دید.

همین جریان دینی در ۱۵ خرداد به زعامت امام خمینی قدس‌سره افق دید گسترده‌تری می‌یابد و روش سیاسی علمای سلف در حفظ چهارچوب نظام سیاسی را متحول می‌کند؛ به‌طوری‌که حضرت امام خمینی قدس‌سره در همین دوران می‌گویند که تقیه حرام است و مبارزه جدی و علنی با نظام سیاسی فاسد واجب است. تا پیش از این، زعما و مراجع شیعی به‌واسطه برخی محذورات، ناگزیر بر رعایت مصالحی برای حفظ

تمامیت ارضی ایران بودند؛ اما بعد از ۱۵ خرداد همه این ملاحظات با رهبری حضرت امام خمینی قدس‌سره تغییر کرد و ایشان که پیش از این، در سال ۱۳۲۲ در کتاب «کشف‌الاسرار» از حکومت فقیه جامع‌الشرایط سخن گفته بودند، در ۱۳۴۸ در سیزده جلسه درس خارج فقه خود در نجف اشرف، به طرح «نظریه ولایت فقیه» و «نظام‌سازی حکومت اسلامی» می‌پردازند و این نظام‌سازی را برای تداوم آن جریان دینی انقلابی و تاریخی ضروری به‌شمار می‌آورند و این امر در نهضت‌های گذشته که در نهایت به انقلاب اسلامی انجامید، مطرح نبود.

با توجه به آن «نگاه غایت‌انگارانه از انقلاب اسلامی» جریان معارض با انقلاب در صحنه‌های مختلف تحولات تاریخی معاصر ایران (از مشروطه تاکنون) چه ماهیتی داشته و چگونه به تقابل برخاسته است؟

• قبل از مشروطه، یعنی از اواسط دوره قاجار، شاهد شکل‌گیری جریانی به‌نام جریان روشن‌فکری در ایران هستیم که خاستگاه و ریشه‌های آن، بیرون از ایران بود. روشن‌فکران، نوعی «این‌همانی» بین ایران و غرب متصور بودند و تلاششان در جهت ایجاد وضعیتی مشابه غرب در ایران بود. برخی از آنها صرفاً پیوند فکری با غرب داشتند؛ اما برخی مانند تقی‌زاده و میرزا ملکم‌خان دارای پیوستگی‌های تشکیلاتی و سیاسی نیز بودند. اینها مهم‌ترین جریان معارض با جریان دینی که مرجعیت شیعه زعامت آن را به عهده داشت، به‌شمار می‌رفتند. برخی از اعضای این جریان که معتقد به ادغام ایران و فرهنگ و هویت ایرانی در غرب بودند، حتی استعمار و غارت غرب را نیز تئوریزه می‌کردند؛ چنان‌که در نوشته‌های ملکم‌خان می‌خوانیم که خداوند نعمات خود را به‌صورت یکسان به همه ابنای بشر داده و گروهی به‌جهت لیاقت، باید از نعمات سایرین که لیاقت استفاده از آن را ندارند، بهره‌مند گردند! مشروطه برای این جریان‌ها، نقطه عزیمت و چرخش‌گاهی برای هضم و ادغام هویت شیعی ـ ایرانی در فرهنگ و تمدن غربی بود. بنابراین در نگاهی کلی به تاریخ تحولات دو سده اخیر ایران، این دو جریان در دو مسیر جدا از هم حرکت کرده‌اند: «جریان مرجعیت شیعه» که مدافع استقلال و اقتدار ایران، نافی استبداد و دخالت بیگانگان بوده است که در طول تاریخ تداوم داشته و با انقلاب اسلامی در قالب نظام جمهوری اسلامی تثبیت می‌شود و جریان مقابل که می‌توان آن را تحت عنوان «جریان سکولار» نامید، همواره مخالف دخالت مرجعیت شیعی و قوانین اسلام در سیاست و نظام سیاسی بوده است که انواع طیف روشن‌فکران تجددگرا، ناسیونالیست و روشن‌فکران دینی را دربرمی‌گیرد.

این جریان‌های روشن‌فکری نسبت به انقلاب اسلامی چه موضعی داشتند؟

• شاخص اصلی همه این روشن‌فکران این است که از منظر «مدرنیته» به تحولات ایران نگاه می‌کنند. از این جهت حتی دین را هم از آن چشم‌انداز می‌بینند و برخی از این جریان‌های روشن‌فکری دینی دائماً دچار تجدید نظرطلبی می‌شوند. هیچ‌یک از این جریان‌های روشن‌فکری با جریان حضرت امام خمینی قدس‌سره و خصوصاً با جمهوری اسلامی پیوند عمیق نداشتند. جریان شاخص روشن‌فکری در مقطع وقوع انقلاب «نهضت آزادی» بود که با دیدگاه‌های جریان رهبری امام قدس‌سره به هیچ‌وجه همسو نبود. مهندس سحابی در خاطراتش آورده است که وقتی جزوه‌های حکومت اسلامی امام خمینی قدس‌سره در حوالی سال ۱۳۵۰ در زندان به دستشان می‌رسد، آنها طرح چنین دیدگاه‌هایی از سوی حضرت امام قدس‌سره را نوعی عقب‌گرد و امری ارتجاعی می‌دانستند. بعد از انقلاب هم، آنها جزوه مفصلی علیه ولایت فقیه منتشر کردند و معتقد بودند، باید از ابزار سازمان‌دهنده روحانیت برای مقابله با شاه استفاده کرد. اشخاصی چون آیت‌الله سید محمدکاظم شریعتمداری نیز، هنوز در همان گفتمان سلطنتی پیشین زیست می‌کردند که با روح انقلاب در تضاد بود. مهم‌ترین تفاوت اینها با جریان انقلاب این بود که گستره نگاه این جریان‌ها صرفاً «ملی» بود؛ ولی رویکرد حضرت امام قدس‌سره یک منظر «ملی ـ امتی ـ جهانی» بود؛ بنابراین بنده معتقدم، بسیاری از این جریان‌های سکولار و روشن‌فکری یا چپ هرچند با شاه مبارزه می‌کردند؛ ولی متعلق به جریان انقلاب که ریشه‌های آن را در تحولات معاصر ایران به‌ویژه از ۱۵خرداد برشمردیم، نبودند و مردم هم با آن جریان‌های معارض شاه همراه نبودند؛ چون با آنها تحولی اتفاق نمی‌افتاد؛ چنان‌که پیش از این هم نیفتاده بود؛ از این‌رو، مردم با جریان انقلاب اسلامی به‌عنوان یک ضرورت تاریخی و تحول‌ساز در ایران همراه شدند.

در وضعیت کنونی، به نظر می‌رسد انتظارات اقتصادی مردم، به‌گونه‌ای اولویت یافته‌اند که آن ارزش‌های اصیل انقلابی کم‌رنگ‌تر به نظر می‌رسند. آیا با چنین دیدگاهی موافقید و به نظر شما آیا می‌توان دوگانه اولویت «رفاه» و «ارزش‌های انقلاب» را در مواجهه با یکدیگر قرار داد؟

• تا کنون ۴۳ سال از عمر انقلاب اسلامی گذشته است و این تداوم ۴۳ ساله منبعث از ریشه‌دار بودن بنیان‌های انقلاب است. هیچ‌یک از نهضت‌های قبلی چنین دوامی نداشتند؛ هرچند وضعیت کنونی با شرایط آرمانی فاصله دارد؛ اما باید گفت شرایط کنونی ما معلول مسائل مختلفی است. ما از ابتدای انقلاب و به‌ویژه از دهه ۱۳۷۰ با تهاجم گسترده فرهنگی غرب و کانون‌های وابسته به آن مواجه بوده‌ایم. فضای مجازی و اینترنت و هجمه فرهنگی که به‌ویژه در دهه اخیر از این طریق به ما وارد می‌شود، حتی برخی رجال را تغییر داده است. در حوزه مسائل اقتصادی نیز، به‌واسطه اقدامات و برنامه‌های بعضی کارگزاران اقتصادی نئولیبرال و سیاست‌های اقتصاد آزاد از دهه ۱۳۷۰، شکاف‌هایی بین مردم و دولت ایجاد شده است. خروج برخی کارگزاران و دولت‌های پس از انقلاب از گفتمان انقلابی و رواج تساهل و تسامح و تجمل‌گرایی این عناصر، موجب بیگانگی مردم با آنها شده است. درحالی‌که ما در ذیل بحث جمهوری اسلامی بحث «عدالت» را داریم که می‌تواند «تداوم انقلاب» را موجب شود. امروزه در دهه پنجم انقلاب سه کلیدواژه اساسی «عدالت»، «استقلال» و «پیشرفت» رمز تداوم انقلاب اسلامی هستند. با این فرمول می‌توانیم، بدنه و سرمایه اجتماعی انقلاب را حفظ کنیم. غرب‌گرایان داخلی با القای یأس و ناامیدی و کشورهای غربی با فشار و تحریم درصدد جدا کردن این بدنه از انقلاب هستند. تلاش دویست‌ساله این جریان‌ها، ایجاد مانع برای ایران با توجه به ظرفیت تمدنی چند هزارساله‌اش و انفعال آن در منطقه است. بااین‌حال اتفاقاتی نظیر تشییع سردار سلیمانی که نماد «ایستادگی در برابر غرب»، «دفاع از ایران» و «گفتمان امت‌محور انقلاب اسلامی» بوده است، نشان داد که بدنه اجتماعی انقلاب همچنان به جریان انقلاب متصل است. امید است که با تغییراتی که در مدیریت اجرایی دولت‌ها و قوای اجرایی اتفاق می‌افتد، بار دیگر همه نیروها در همان مسیر «تداوم انقلابی» بسیج و سامان یابند.

پایگاه اطلاع‌رسانی پژوهشکده تاریخ معاصر